

## کنکاشی پیرامون یک حزب تاثیرگذار و مخفی

### دانشناکسوتیون ؛ فرقه ای که از نگاه تاریخ مغفول ماند

✦ سید احسان رئیس الساداتی

دانشناکسوتیون (Dashnaksutyun) اصلا یک حزب ارمنی است و از جمله گروه هایی است که با مجاهدین در جریان فتح تهران مشارکت موثر داشته است. این مقاله سعی دارد کنکاشی داشته باشد بر آغاز فعالیت های این حزب در منطقه قفقاز و تاثیر آن بر رویداد های ایران. برای شناخت بهتر این حزب نسبتا سری که سابقه حضور و فعالیت گسترده را از مشروطه تا پهلوی در ایران داشته است ناگزیر با توجه به اسناد و منابع آن را به چهار دوره تقسیم می کنیم:

الف: آغاز حیات حزب تا مشارکت در مشروطه

ب: بعد از دوران مشروطه و آغاز جنگهایی برای استقلال

ج: فعالیت های حزب در ایران همزمان با رژیم پهلوی (به روایت اسناد س.ا.و.ک)

د: دانشناکسیون؛ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و این روزها

الف: آغاز حیات حزب تا مشارکت در مشروطه

بر اساس مواضعی که حزب دانشناکسیون در جزوه ای مکتوب به سال ۱۳۵۸ منتشر کرده است [۱] این حزب که در واقع از ادغام گروه ها و احزاب انقلابی ارمنی که در آن ایام در ارمنستان در بخشی از روسیه و ترکیه فعالیت داشته اند به سال ۱۸۹۰ میلادی در شهر تفلیس قفقاز تشکیل شد.



### پرچم دانشناک ها

«دانشناکسیون ارامنه» مقصودش حفظ مصالح اقتصادی طبقاتی و حفظ منافع بشری سیاسی ملی و مدنی ارامنه می باشد.

حضور این حزب در ایران به دهه هشتاد قرن نوزدهم باز می گردد. مقطعی که سه حزب ارمنی آرمیناکان، هنجاکیان و دانشناکسوتیون به تدریج در مناطق ارمنی نشین آذربایجان شعبه هایی تشکیل دادند. این احزاب از ایران به منزله

پایگاهی برای تدارکات خود و اجرای عملیات در ایالت های ارمنی نشین عثمانی استفاده می کردند. آنها نه تنها جراید و نشریات خود را از طریق ایران به عثمانی و روسیه می بردند، بلکه اسلحه و مهمات نیز منتقل می کردند. علاوه بر این، کارگاه های اسلحه سازی مخفی نیز در سلماس و سپس در تبریز دایر کردند. کارگاه اسلحه سازی حزب داشناک در تبریز در ۱۸۹۱ دایر شد. در این کارگاه، قطعات اسلحه ای را که از کارگران کارخانه های اسلحه سازی دولت روسیه در تولا و تفلیس خریداری و به تبریز منتقل شده بود مونتاز می کردند. آنگاه، اسلحه ها را مخفیانه به خاک عثمانی می بردند تا در مبارزه با دولت عثمانی استفاده شود.

بی جهت نیست که لوییس نعلبندیان می نویسد: «در قرن نوزدهم، سرزمین ایران کعبه آمال انقلابیون بود» و بیشتر این انقلابیون، ارمنیان قفقاز بودند.<sup>[ii]</sup>

تا انقلاب مشروطه، احزاب ارمنی مداخله و مشارکتی در امور سیاسی ایران نداشتند اما وقوع انقلاب مشروطه در ایران و خصوصاً، مقاومت محمدعلی شاه و متحدانش در برابر مشروطه خواهان احزاب هنجاکیان و داشناکسوتیون را تحت تأثیر قرار داد و این دو حزب، برخلاف آرمناکان، با زیرکی خاصی تصمیم به یاری مشروطه خواهان گرفتند. مانوکیان در توضیح عواملی که موجب شد تا حزب داشناک با مشروطه خواهان همکاری کند به کنگره چهارم حزب داشناک (فوریه - مه ۱۹۰۷) و درخواست کمیته آذربایجان این حزب از کنگره چهارم برای شرکت در انقلاب، اشاره می کند و می نویسد:

«در این کنگره، که در وین برگزار شد، نمایندگان پس از بررسی اوضاع و احوال جهان و ایران به این نتیجه رسیدند که با توجه به اینکه جنبش های فعلی ایران (حرکت های مشروطه خواه) سبب بیداری هر چه بیشتر مردم گشته است و امکان اینکه این جنبش به پدیده ای مردمی در ایران و حتی درخاورمیانه تبدیل شود، بسیار زیاد است. لذا با توجه به نتایج آن نهضت، از دید جهان بشری و نیز مسئله ارمنی، کنگره به عموم سازمان ها و افراد داشناکسوتیون در ایران توصیه می کند تا با همه وسایل و امکانات در به ثمر رساندن آن نهضت تلاش کنند»<sup>[iii]</sup>

در حقیقت قصد سران داشناک چیزی جز نفوذ در میان انقلابیون نبوده. هدف آنها ورود به مقام های دولتی بعد از انقلاب بوده تا از این طریق بتوانند به آرمانهای حزب داشناک برسند. بعدها خواهیم فهمید که نوع ارتباط گیری داشناک ها در ایران برای اهداف خود و اشخاصی را که برای رایزنی در ایران بر می گزینند، ظن همکاری و هماهنگی با غرب را قوی تر می کند.

کنگره چهارم چگونگی همکاری با مشروطه خواهان را بر عهده تشکیلات حزب داشناک در ایران گذاشته بود استپان زوریان (روستوم) را، که از بنیان گذاران حزب بود، برای مذاکره رسمی با مشروطه خواهان به ایران اعزام کرد. روستوم در اواخر دسامبر ۱۹۰۷ به تهران رسید. او به همراه دکتر هاراتون استپانیان، الکساندر تومانیان و آلک جلالیان با عده ای از نمایندگان مجلس شورای ملی (وثوق الدوله، مستشارالدوله، حاج امین الضرب، حاج معین التجار، میرزا ابراهیم آقا و تقی زاده) مذاکره کرد. مذاکره هیئت ارمنی و مشروطه خواهان از ۳۰ دسامبر ۱۹۰۷ تا ۴ ژانویه ۱۹۰۸ / ۹ تا ۱۳ دی ۱۲۸۶ ادامه داشت. در پایان مذاکرات، روستوم از طرف حزب داشناکسوتیون متعهد شد:

«تهیه و ارسال اسلحه ساز، تشکیل و اعزام گروه های رزمی، [تبلیغ] در کشورهای اروپایی به سود نهضت مشروطه و بر علیه نفوذ روس و انگلیس، جلب همکاری و هم رزمی انقلابیون بلغاری، مقدونی، گرجی قفقازی با مبارزان ارمنی» و... بر عهده حزب داشناک باشد.

هیئت ایرانی نیز متعهد شد برای نقل و انتقال افراد، اسلحه و مهمات حزب داشناک، خصوصاً در آذربایجان، امکانات رایگان فراهم و به هزینه حزب داشناک اسلحه و مهمات به ایران وارد کند. حقوق ملی ارمنیان را در ایران محترم شمارد و ناحیه ای را در سلماس یا اطراف آن برای اسکان پناهندگان ارمنی اختصاص دهد و... هم زمان با این مذاکرات، سومین کنگره منطقه ای آذربایجان حزب داشناکسوتیون (۱۹ دسامبر ۱۹۰۷ تا ۱۳ ژانویه ۱۹۰۸) برگزار شد. در این کنگره، درباره چگونگی همکاری با مشروطه خواهان و حمایت از آنان به تفصیل مذاکره شد و در نهایت، مشارکت جدی به تصویب رسید. با این حال، شرکت عملی حزب داشناک در انقلاب مشروطه تا کودتای محمد علی شاه و به توپ بستن مجلس شورای ملی و مقاومت مسلحانه مشروطه خواهان تبریز تحقق نیافت. این تاخیر از یک سو به سازمان غیرمتمرکز داشناکسوتیون باز می گشت که در نتیجه آن، شعبه های حزب در ایران تلاش می کردند نحوه مشارکت را به صورتی تنظیم کنند که با شرایط و امکانات منطقه ای خود و نظرات رهبری حزب هماهنگ باشد و از سوی دیگر، تأثیر عواقب و نتایج این همکاری و مشارکت بر وضعیت ارمنیان در عثمانی و قفقاز آنها را به تأمل بیشتر وا می داشت.

در پی آغاز مقاومت مشروطه خواهان تبریز به رهبری ستارخان و باقرخان (تیر ۱۲۸۷)، نمایندگان سازمان مرکزی حزب داشناک در شرق با باقرخان و ستارخان وارد مذاکره شدند. آنها با ستارخان به توافق رسیدند که:

۱- رزمندگان داشناکسوتیون هنگام ورود به تبریز، تنها سلاح های فردی خود را به همراه می آوردند ولیکن، به محض رسیدن [به تبریز] مهمات، اسب، آذوقه و سایر ملزومات را از سازمان ها و تشکیلات محلی حزب تهیه خواهند کرد.

۲- رزمندگان داشناکسوتیون می بایست رهبری جنگجویان محلی را به عهده بگیرند و امور مربوط به بمب و راکت و مین را شخصاً انجام دهند.

پس از این توافق، فعالیت های حزب داشناک آغاز شد. سربازان داشناک که از قفقاز و عثمانی به تبریز می آمدند به همراه رزمندگان ملل مختلف قفقاز، تاتارها، گرجی ها، روس ها و... به مشروطه خواهان تبریز پیوستند و با قوای محمد علی شاه به مبارزه برخاستند. داشناک ها امکاناتی را که در تبریز داشتند، از جمله کارگاه اسلحه سازی در محله لیل آور را در خدمت انقلاب مشروطه قرار دادند. روستوم رهبری فعالیت های نظامی داشناک ها را در تبریز برعهده داشت. تلاش های او در بخش انفجار بمب و راکت تأثیر چشمگیری در پیشروی گروه های جنگجو در نبردها داشت. قوای دولتی دچار ترس و وحشت می شد و روحیه جنگجویان چند ملیتی بیش از پیش تقویت می گشت. علاوه بر این، روستوم و اعضای حزب داشناک در سازماندهی نیروهای نظامی، طراحی راه های مؤثر برای مبارزه با نیروهای مخالف، نقل و انتقال مهمات، و جنگ و جدال با قوای محمدعلی شاه حضوری فعال داشتند. مانوکیان نمونه هایی از این فعالیت ها را توضیح می دهد فعالیت رزمندگان داشناک مانند دیگر رزمندگان قفقازی در تبریز تا اشغال تبریز از سوی قوای روس ادامه داشت و پس از آن ناچار شدند تبریز و سپس ایران را ترک کنند.

اما این به معنای خاتمه مشارکت حزب داشناک و احزاب انقلابی قفقاز در انقلاب مشروطه نبود. آنها به مشروطه خواهان رشت پیوستند. در این مرحله، رهبری مبارزان داشناک در رشت بر عهده پیرم خان بود. مانوکیان به تفصیل به نقش فعالیت های پیرم و اعضای داشناک در قیام مشروطه خواهان گیلان می پردازد و سرگذشت او را تا فتح تهران، ریاست نظمیه، و... تا هنگام کشته شدن در نبرد با سالارالدوله (۲۹ اردیبهشت ۱۲۹۱) توضیح می دهد. مانوکیان درباره انگیزه پیرم خان از مشارکت فعال در انقلاب مشروطه بر نکته حائز اهمیتی تأکید می کند. او می نویسد: پیرم علاوه بر اینکه برای عقاید حزب داشناک وارد مبارزه شد؛ اما ایران را سرزمینی می دانست که به آن مدیون بود و اکنون فرصتی به دست آورده بود تا دین خود را ادا کند. این سرزمین به او امنیت، آسایش، کار و زندگی بخشیده بود. [iv]

این سخن مانوکیان نیز در کتاب دیگری تحت عنوان «پیرم خان سردار» [v] تایید شده است. با مرور در فعالیت های پیرم خان ارمنی در جریان مشروطه به دو اتفاق تلخ خواهیم رسید. مجروح شدن ستارخان توسط قوای پیرم در جریان تسخیر باغ اتابک و تلخ ترین آن شهادت شیخ فضل الله نوری (ره) در میدان توپخانه تهران است.

پس از تسخیر تهران توسط مجاهدین به خاطر تلاش های پیرم و قاطعیتش، وی را به ریاست شهربانی تهران گماشتند. در این مقام او بسیار سخت گیری و درشتی می کرد. مخالفان مشروطه را با چنان وضعی دستگیر می کرد که باعث آزدگی آزادی خواهان بود. او یکی از مهم ترین افراد حامی به دارآویخته شدن شیخ فضل الله بود. ترور سیدعبدالله بهبهانی هم در زمان ریاست او اتفاق افتاد. اما یفرم با پشت هم اندازی مانع از دستگیری عاملان شد حتی در آن زمان شایع شد که خودش، حیدرخان عمواعلی را فراری داد.

اکنون متوجه می شویم که چرا داشناک ها برای مذاکراتشان با طرف های ایرانی مشروطه خواه تقی زاده و دوستانش را برگزیده اند.

حادثه ی دیگری که چهره تاریخی پیرم را تا نزد گروه های مختلف خدشه دار کرد، ماجرای خلع سلاح مجاهدین و درگیری پارک اتابک بود. پس از آنکه آیه ا... بهبهانی ترور شد و برنامه ریزی ترور به سران حزب دموکرات (عامیون) نسبت داده شد، تنش میان این حزب با اعتدالیون شدت یافت. چندی بعد محمدعلی خان تربیت از حزب عامیون نیز ظاهراً به تلافی ترور آیه ا... بهبهانی ترور شد. پس از آن، دولت به تصویب مجلس همه افراد مسلح را که نظامی دولتی به شمار نمی آمدند، موظف به خلع سلاح کرد.

از چندی پیش، ستارخان جهت بزرگداشت و تمجید توسط دولت به تهران دعوت شده بود و پس از برگزاری مراسم گوناگون، در پارک اتابک تهران مستقر شده بود. هنگامی که حکم به خلع سلاح داده شد، پیرم، به عنوان رئیس قوای دولتی با قشونی نسبتاً نیرومند راهی پارک اتابک شد و در آنجا با مقاومت ستارخان و یارانش مواجه شد. این حادثه در آن زمان پیرم را نزد بسیاری بدنام نمود. [vi]

ب: بعد از دوران مشروطه و آغاز جنگهایی برای استقلال

ارمنستان جایگاه مردمی است که در اواخر هزاره دوم و یا اوایل هزاره اول از منطقه تراس در بالکان به آسیای صغیر مهاجرت و در اطراف دریاچه وان مستقر شدند و بتدریج جانشین کشور اوراکوس شدند. ارمنی ها یکی از شاخه های

نژاد هند و اروپایی هستند. هردوت و ایودوکسوس رودس معتقدند که آرامنه ارتباط نزدیک با فریجین ها داشتند. از قرن هفتم قبل از میلاد زبان ارمنی زبان مسلط ساکنان مناطق مزبور بوده است.

از اوائل قرن نوزده سرزمین های ارمنی نشین تحت حکومت عثمانی و روسیه تزاری قرار داشت. سرزمین های ارمنی نشین عثمانی شامل ولایات وان، طرابوزان، ارزروم و تبلیس بودند. آرامنه نقش فعالی در تجارت و توسعه عثمانی داشتند و ظاهراً در مبارزات مردمی برای توسعه و برقراری نظام پارلمنتاریسم نقش حاشیه ای ولی بسیار مثبت داشتند.

اما وقوع جنگ بین الملل و ورود عثمانی در ۱۹۱۴ به نفع دولت های مرکزی، امپراتوری اتریش، مجارستان و آلمان مقدمه ای شد برای حادثه ای که رمنیان از آن بع هنوان فاجعه قرن بیستم یاد می کنند.

با ورود عثمانی در جنگ، ترک های جوان در سپتامبر ۱۹۱۴ به طور یک جانبه کاپیتالاسیون را لغو کردند. به خود مختاری لبنان پایان داده شد. در اوت ۱۹۱۵ تعداد زیادی از اعراب در دمشق کشته شدند و در سال های ۱۹۱۵ - ۱۹۱۶ کشتاری علیه جوامع ارمنی در شرق آسیای صغیر و سیلسیاریخ می دهد. رمنیان مدعی اند در این فاجعه بیش از یک میلیون ارمنی جان باختند. بیش از ششصد هزار نفر فراری و اخراجی در دشت های میان رودان به ورطه هلاکت رسیدند و در حدود سیصد هزار نفر به روسیه پناهنده شدند.

در این فاجعه بزرگ انسانی قدرت های مرکزی به ویژه آلمان که حضور نظامی در عثمانی داشتند هیچ گونه تلاشی برای جلوگیری از این کشتار به عمل نیاوردند. [vii]

جنگ ترکیه- ارمنستان اوضاع ارمنستان را روز بروز بحرانی تر می کرد.

اهالی مناطق تصرف شده توسط ترکها به استانهای شرقی پناهنده شدند و تعداد بیکاران و مشکلات متعدد باعث دشواری های جدیدی گردیده بود.

از سوی دیگر طرفداران حکومت مرکزی کمونیست شوروی در صدد تصرف سرزمین های ارمنی بر آمده و در ماه سپتامبر همراه با واحدهای ارتش سرخ وارد قاپان شدند. در این ناحیه حکومت بدست طرفداران حکومت مرکزی شوروی افتاد.

در اوایل اکتبر ۱۹۲۰ حزب کمونیست در یک اطلاعیه مردم را فراخواند تا گرد حزب کمونیست متشکل شده مبارزه برای استقرار نظام شورایی را تشدید کنند.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰ زحمتکشان کاروانسرا (ایجوان) و ناحیه دیلیجان تحت رهبری حزب کمونیست فوراً کمیته ای برای اداره بخش ارمنی تشکیل شد.

در کتابچه ای قدیمی تحت عنوان «رستاخیز خلق ارمنی؛ بمناسبت ششمین سالگرد استقرار حکومت شوروی در ارمنستان» که توسط بلشویک های شوروی تهیه شده از تصرف سرزمین های ارمنی به انقلاب یاد شده و در آن بر خلاف ادعای رمنیان داشناک، روایتی دیگر بیان می شود:

«در همان روز در فراخوانی که از جانب کمیته انقلابی ارمنستان منتشر شد گفته می شد که : با خواست و اراده مردم زحمتکش و بپاخاسته ارمنستان حزب کمونیست ارمنستان (بلشویک) از امروز ارمنستان را جمهوری شوروی سوسیالیستی اعلام می کند.

روز ۳۰ نوامبر ۱۹۲۰ انقلابیون وارد شهر دیلیجان می شوند. کمیته انقلابی طی تلگرافی به و. ای. لنین استقرار حکومت شوروی در ارمنستان را به اطلاع رسانده از دولت روسیه شوروی برای تثبیت خود استمداد می طلبد.

دانشناک ها مسلماً دیگر قادر نبودند در برابر موج انقلابی جدید مقابله کنند. ولی اوضاع بحرانی حاکم بر ارمنستان و بویژه وجود نیروی ترکیه در خاک ارمنستان و ادامه مذاکرات آنان در الکساندر با دانشناک ها، کمک روسیه شوروی را ضروری ساخته بود. دولت روسیه شوروی دین انترناسیونالیستی خود را نسبت به زحمتکشان ارمنستان انجام داد. بدستور حکومت شوروی به واحدهای ارتش یازدهم سرخ که در آذربایجان شوروی مستقر بودند دستور داد تا به کمک کارگران و دهقانان ارمنستان بشتابند. هنگ ویژه ای که از مهاجرین انقلابی ارمنی در اواسط سال ۱۹۲۰ تحت رهبری کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان (بلشویک ها) تشکیل شده بود، همراه واحدهای ارتش سرخ وارد ارمنستان شد.

زحمتشکان ارمنستان با شور و هیجان از واحدهای ارتش سرخ استقبال کردند و سربازان ارتش دانشناک ها در اغلب مناطق به نیروهای انقلابی پیوستند. در تاریخ ۳۰ نوامبر س. ارجنیکدزه به چیچرین اطلاع داد که: «واحدهای ارتش ارمنستان به قیام کنندگان می پیوندند و تاکنون هیچ تیراندازی روی نداده است. در برابر شرایط ایجاد شده دولت دانشناک ها هیچ راهی جز تسلیم بلاشرط نداشت. در ۲ دسامبر ۱۹۲۰ دولت دانشناک ها تمام قدرت را به زمین گذاشت و بدین صورت حکومت ارتجاعی و ضد مردمی دانشناک ها که دو سال همچون بختکی بر ارمنستان چنگ انداخته بود ساقط شد.

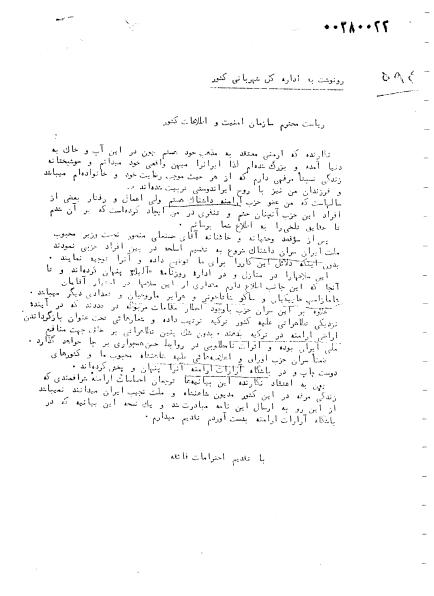
با وجود تسلیم بلاشرط، در شب ۲ دسامبر ۱۹۲۰، یعنی زمانی که دیگر دانشناک ها هیچ قدرت قانونی نداشتند، سران دانشناک دست به یک خیانت بزرگ زدند و به صورت غیرقانونی قرارداد صلح با ترکیه را امضاء کردند، قراردادی که سند اسارت ارمنستان بود.

دانشناک ها که مدت طولانی چشم امید به دول امپریالیستی دوخته و از قبول پیشنهادات تحمیلی ترکیه سرباز زدند، همینکه قدرت بدست زحمتکشان افتاد، به همه پیشنهادهای ترکیه تن داده، قرارداد اسارت بار الکساندرپول را امضاء کردند. و این دومین باری بود که دانشناک ها طی قراردادهای رسمی با دولت ترکیه ارمنستان را به غاصبین فروختند. اولین بار پس از پیروزیهای درخشان خلق ارمنی در نبردهای سردار آباد در سال ۱۹۱۸، که دانشناک ها علی رغم این پیروزی ها در باطوم تن به قراردادی ننگین دادند و دومین بار در سال ۱۹۲۰ یعنی زمانی که زحمتکشان ارمنی پس از نبردهای طولانی توانسته بودند قدرت سیاسی را در کشور به دست بگیرند. قرارداد ننگین الکساندرپول اگرچه بلافاصله از جانب حکومت شوروی ارمنستان غیرقانونی اعلام شد و دولت جدید از قبول آن سرباز زد، ولی همین قرارداد بود که بعدها اساس مذاکرات قرارداده شده و ضررهای غیرقابل جبرانی به خلق ارمنی وارد ساخت.» [viii]

در ۲۲ نوامبر ۱۹۲۰ وودرو ویلسون رییس جمهور امریکا رای حکمیت خود را دایر بر واگذاری قسمت اعظم ولایات وان (که ارامنه تا سال ۱۹۱۴ جمعیت مطلق آن را تشکیل می دادند)، ارزروم و تبلیس (که ارامنه تا ۱۹۱۴ اکثریت نسبی داشتند) و قسمتی از ولایت طرابوزان برای دستیابی به دریا را صادر کرد! اما چندی نگذشت که حوادث سیاسی مختلف مانع این امر شد.

### ج: فعالیت های حزب در ایران همزمان با رژیم پهلوی

ساواک از سال ۱۳۴۳؛ به دنبال ترور انقلابی حسنعلی منصور و گزارش یک ارمنی درباره پخش مشکوک سلاح میان ارمنیان داشنک به موضوع داشنکسیون علاقه مند می شود.



از همین رو تصمیم می گیرند به تحقیقات بیشتر درباره این حزب بپردازند. اطلاعات پیش رو بخشی از تحقیقات ساواک است:

«سابقه حزب داشنکسیون: پس از استقرار کمونیستها در ارمنستان شوروی و در نتیجه سقوط حزب داشنک در آن کشور عده‌ای از اعضاء حزب مذکور که محیط ارمنستان را مناسب ادامه حیات خویش ندانستند ناچار بسوریه - لبنان - ترکیه - فرانسه و آمریکا و ایران مهاجرت کردند.

این عده آن افرادی که بایران هجرت نمودند در تبریز و رضائیه اقامت گزیدند و بعدا به تدریج به تهران و سایر شهرهای ایران آمده و در این نقاط پراکنده شدند. لکن نظر به اینکه از لحاظ شیوه تفکر، روش هدف با ارامنه جلفای اصفهان که سابقه قدیمی و تاریخی بودند واز زمان شاه عباس کبیر در ناحیه جلفای اصفهان اسکان داده شده بودند تفاوت داشتند کمتر توانستند به آن شهرستان رخنه نمایند.

مهاجر ساکن تهران پس از استقرار شروع به فعالیت نمودند و چون افرادی شاخص مانند مرحوم اوهانجانیان وزیر راه حزب مورد بحث در ارمنستان در بین این عده به چشم می‌خورد بر اثر اقدامات خویش عده‌ای از ارامنه بویژه افراد جوان و فعال را گرد خود جمع کرده و رسماً فعالیت خود را آغاز کردند.

هدف و رویه حزب داشناکسیون: هدف و نظر کلی حزب داشناکسیون آزادی ارمنستان می باشد و این حزب رویه ای مخالف کمونیزم و کمونیستها دارد به طوریکه می توان آن را حزبی کاملاً ضد کمونیست دانست و این رویه خود مسبوق به سابقه تاریخی بوده و معلول تعدیات و سختگیریهای است که از طرف کمونیستها به ارمنه ارمنستان وارد آمده است و آنان را مجبور به ترک سرزمین و زادگاه خویش کرده است.

در ایران نیز همین رویه پیگیری می شود و هسته مرکزی اعتقاد ارمنه ایران را تشکیل می دهد. از نظر فعالیتهای سیاسی داخلی نیز حزب داشناکسیون از چندین سال قبل تاکنون رویه ای موافق دولتها داشته و هیچگونه عکس العملی از خود در برابر اقدامات سیاسی دولتها نشان نداده اند و روی همین اصل است که تاکنون توانسته است موجودیت خود را حفظ نماید.



تصویر سه تن از بنیانگذاران حزب داشناکسوتیون. از راست: سیمون زوریان (۱۸۶۶-۱۹۱۳)، کریستاپور میکائیلیان (۱۹۰۵-۱۸۵۹)، استپان زوریان (۱۹۱۹-۱۶۵۷)

حال حاضر حزب مورد بحث در باب مهاجرت ارمنه ایران به ارمنستان شوروی نظر موافق نداشته و معتقد است که ارمنه نبایستی به جمهوری ارمنستان مهاجرت کنند. ولی چون در شرایط کنونی در برابر عمل انجام شده قرار گرفته اند و قادر به انجام عملی نیستند لذا مخالفت علنی با این امر نمی نمایند.

نندگان این حزب در ایران در مواقع انتخابات فراکسیونی مرکب از اعضاء برجسته حزبی تشکیل داده و کاندیدای و یا غیرحزبی خود را انتخاب کرده و ضمن شور و گفتگو خط مشی مبارزاتی خود را در مورد کاندیدای حزب و یا حمایت از کاندیدای غیرحزبی پی ریزی می نمایند.

تشکیلات حزب داشناکسیون: حزب داشناکسیون ارمنه در کلیه کشورهای که دارای اقلیت ارمنه می باشد وجود داشته و فعالیت دارد. چنانکه در عراق نیز تشکیلاتی به این نام وجود دارد و قریب صدی چهل افراد ارمنه این کشور عضو این حزب می باشند. لکن مرکز اصلی و هسته مرکزی حزب داشناکسیون در کشور مصر است.

تشکیلات این حزب بدین شرح می باشد:



الف - کمیته‌های حزبی: در هر شهر یا نواحی مختلف نزدیک بهم که تعداد کافی از اعضاء حزب مزبور در آن وجود داشته باشد یک کمیته از طرف اعضاء حزب همان شهر یا نواحی برای مدت یکسال انتخاب شده و کارهای اداره حزب را در آن منطقه بطور مستقل و کاملاً مختار با رعایت اصول کلی حزب عهده آرمی شوند.

ب - کمیته‌های محلی پیوسته مجری دستورات کنگره جهانی حزب داشناکسیون می باشند که هر چهار سال یک بار تشکیل می گردد و پس از رسیدگی به دستور جلسات کمیته‌های مرکزی کشورها منحل می شود. اعضاء کنگره جهانی حزب عبارتند از یک نماینده از هر کمیته محلی و نمایندگان منتخب کنگره های داخلی هر محل که با رأی مخفی برگزیده می شوند.

کنگره جهانی زحمت مورد بحث عالی ترین مقام و مرجع حزبی بوده و اختیارات نامحدود دارد؛ به حدی که کلیه تصمیمات و دستورات عملی های این کنگره برای کلیه سازمانها و اعضاء حزب داشناکسیون لازم الاجرا می باشد. ولی وظیفه معمولی آن عبارتست از انتخاب و تعیین خط مشی حزب داشناکسیون برای مدت چهار سال آینده. هیجدهمین کنگره جهانی حزب مزبور در هفته اول ماه اکتبر سال ۱۹۶۲ میلادی در بیروت افتتاح شد و نمایندگانی از احزاب داشناکسیون کشورهای: ایران - لبنان - آمریکای شمالی - فرانسه - آمریکای جنوبی - یونان - کانادا - عراق - سوریه - مصر و قبرس در آن کنگره شرکت نمودند.

کوچکترین واحد حزبی عبارت است از حوزه حزبی که از ۷ الی ۱۵ عضو تشکیل می شود.

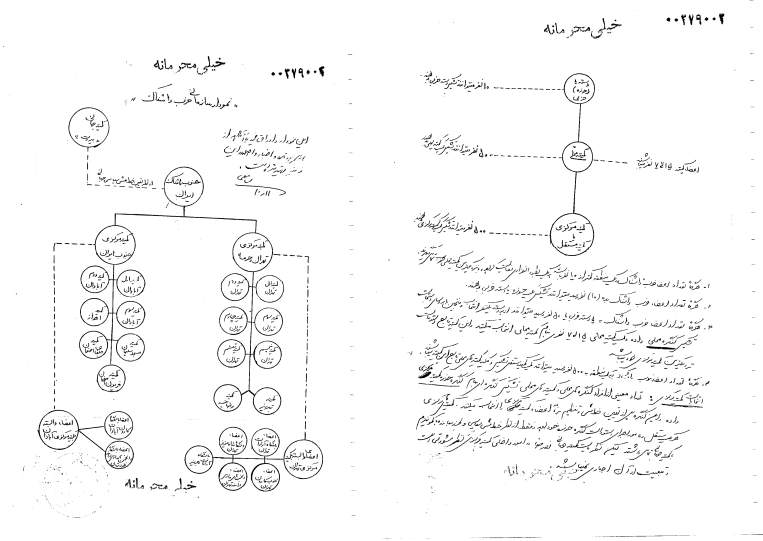
رئیس حوزه از طرف اعضا رأی مخفی برای مدت یک سال انتخاب و حوزه را اداره می کند. سپس مطابق شرایط محل از هر ده الی بیست حوزه تشکیل یک کمیته می دهد. طرز انتخاب کمیته عبارت است از اینکه از هر حوزه برای تشکیل مجمع عمومی دو نفر انتخاب می شوند این انتخاب شدگان تشکیل مجمع عمومی حزبی را داده و کمیته اجرای را برای مدت یک سال انتخاب می کنند این کمیته که معمولاً از ۵ الی ۷ نفر می باشد کاملاً مستقل بوده و امور حزبی محل را مطابق آئین نامه و مرام نامه و خط مشی که مجمع عمومی تعیین کرده است امور حزب را برای مدت یک سال اداره کرده و فقط در برابر مجمع عمومی که خود منتخب آن است مسئول می باشد و پس از انقضای سال مجدداً به همان صورت تجدید انتخابات به عمل می آید.

چنانچه در محلهایی تعداد حوزه‌های حزب از بیست به بالا باشد چندین کمیته به وجود بیاید یک کمیته مرکزی انتخاب خواهد شد که این کمیته مرکزی با استقلال کامل امور حزب محل را اداره می نماید.

طرز انتخاب کمیته مرکزی به صورت ذیل است:

هر مجمع عمومی ۶ نماینده برای تشکیل کنگره حزبی انتخاب و معرفی می نماید این نمایندگان مجامع عمومی تشکیل کنگره را حزبی را داده و کمیته مرکزی را برای مدت یک سال انتخاب می کنند این کمیته مرکزی معمولاً از ۷ الی ۹ نفر می باشند کاملاً مستقل بوده و امور حزب محل را مطابق آئین نامه و مرام نامه خط مشی کنگره حزبی تعیین کرده است امور حزب را برای مدت یک سال اداره کرده و فقط در برابر کنگره حزبی که خود منتخب آن است مسئول می باشد و پس از انقضای سال مجدد به همان صورت تجدید انتخابات به عمل می آید.

لذا در هر محلی که به واسطه زیادی اعضاء کمیته مرکزی انتخاب می شود این کمیته مرکزی بالاترین مقام حزبی محل است و کمیته‌های معمولی از آن تبعیت می کند.



بقیه اسناد مرتبط را می توانید در ستون اسناد مطالعه فرمایید

کمیته‌ی جهانی: این کمیته از طرف نمایندگان کمیته‌های مرکزی دانشناکسیون در ممالک مختلف برای مدت سه سال انتخاب می‌شود که از ۷ عضو تشکیل شده و وظیفه‌ی آن هم آهنگ نمودن طرز تبلیغات و مبارزات کمیته‌های مختلف بر ضد کمونیسم و ایجاد روابط کمیته‌های مرکزی می‌باشد اسم این کمیته عبارتست از پیرو که به زبان فرانسه به معنی دفتر میباشد و همانطور که از اسم آن هویدا است این کمیته به هیچ وجه حقدخالت در امور داخلی کمیته‌های مرکزی و کمیته‌های اجرایی ندارد فقط وسیله ارتباط و هم آهنگ نمودن فعالیتهای کمیته‌های مرکزی‌های مختلف را فراهم می‌کند.

میزان فعالیت اعضا در حال حاضر و مقایسه میزان کنونی با گذشته: در اوایل حکومت رضاشاه کبیر حزب دانشناکسیون در ایران فعالیت بسیار دامنه داری داشته ولی در اواخر حکومت رضاشاه کبیر که فعالیت دستجات مختلف محدود شده بود فعالیت حزب دانشناک نیز ممنوع شد لذا فعالیت حزب محدود به تبلیغات شفاهی شده بود در زمان ورود ارتش سرخ به ایران و دستگیری و زندانی شدن رؤسای حزب دانشناک موجب آن شد که برای مدت چند سالی بکلی حزب دانشناکسیون در ایران تعطیل گردید ولی هنوز ارتش سرخ از ایران خارج نشده بود که اعضای حزب دانشناکسیون تحت عنوان سازمانها و دستجات مذهبی و فرهنگی و ورزشی شروع به فعالیت نموده و مبارزات سرسختی با دستجاتی که از طرف سفارت روش تقویت می‌شد مثل انجمن فرهنگی آرامنه به نام مشاکویت یا کمیته مهاجرت آرامنه به ارمنستان شروع کرد سپس تدریجاً یک کمیته مرکزی تشکیل داده و تجدید فعالیت نمود تا قبل از ۲۸ مرداد حزب دانشناکسیون در ایران در اقلیت بوده و فعالیت آنها منحصر به مبارزه با اعضای انجمنهای خلیفه‌گری آرامنه و انجمن‌های مدارس که از اشخاص مشکوکی با کمک کمونیستها بوجود آورده بودند و زد و خورد با افراد کمونیست و توده‌ای بوده.

پس از وقایع ۲۸ مرداد حزب داشنک موفق شد افراد توده‌ای و مشکوک را از انجمن‌های خلیفه‌گری آرامنه و مدارس آرامنه اخراج نموده و اکثریت اعضای این انجمن‌ها را از اعضای حزب داشنک بگمارد فعالیت کنونی حزب داشنک عبارتست از:

۱- حفظ انجمن‌های خلیفه‌گری آرامنه و مدارس تحت نفوذ خود

۲- تشکیل مجامع برای تظاهر بمناسبت پنجاهمین سال قتل عام آرامنه در ترکیه

۳- عنوان کردن استقلال ارمنستان در مجامع بین‌المللی.

۸- ارتباط و وابستگی حزب با سایر احزاب و دستجات سیاسی موجود

چون حزب داشنکسیون در ایران غیررسمی است لذا هیچ‌گونه ارتباط و وابستگی با هیچ حزب و دسته سیاسی ندارد مرام آن فقط مربوط به آرامنه می‌باشد در خارج از ایران هم تقریباً با هیچ دسته یا حزبی ارتباط دائم ندارد فقط در برخی ممالک با احزاب ضد کمونیسم همکاری موقتی می‌نماید.

۹- ارتباط و وابستگی حزب با عوامل بیگانه چه در داخل و چه خارج از کشور

چون در جنگ بین‌المللی دوم دولت هیتلری آلمان قول استقلال ارمنستان را داده بود اعضای حزب داشنک به رهبری ژنرال درو کانانیان داخل ارتش آلمان شده و بر ضد روسیه شوروی به جنگ پرداختند ولی شکست دولت آلمان موجب ر و مار شدن این ارتش شد پس از جنگ مدتی مذاکراتی بین کمیته جهانی و دولت آمریکا برقرار شد ولی چون دولت آمریکا حاضر نشد تضمین استقلال ارمنستان را بدهد این مذاکرات نیز بلا نتیجه قطع شد اکنون حزب داشنک با هیچ دولتی رسماً ارتباط ندارد ولی چون در اغلب ممالک ارمنی‌نشین حزب داشنکسیون موجود است تبعیاً این اعضا با دولت متبوع خود در تماس می‌باشد که صورت محلی دارد.

۱۰- عواملی که موجبات تقویت یا تضعیف حزب اعم از داخلی یا خارجی فراهم می‌نماید.

ممالکی که دولت‌های آن با کمونیست‌ها در حال مبارزه می‌باشند با کمک‌های معنوی و پشتیبانی موجبات تقویت حزب را فراهم می‌کنند ولی مطابق اساسنامه حزب از هیچ دولتی حق گرفتن کمک مادی را ندارند.

۱۱- قدرت مالی حزب در حال حاضر

بودجه مخارج حزب در هر سال از طرف کنگره حزب تعیین شده و بین اعضای حزب ماهیانه جمع‌آوری می‌شود چنانچه مخارج غیر مترقبه پیش آید مجدداً بعنوان اعانه از اعضای حزب اخذ می‌گردد لذا حزب همیشه دارای بودجه کوچک ولی متعادل می‌باشد.

۱۲- نشریات وابسته و ارگان حزب مزبور و سایر وسایل تبلیغاتی حزب در حال حاضر که مورد استفاده حزب می‌باشد، ارگان ب در ایران روزنامه آلیک می‌باشد که در تهران می‌باشد و برای تبلیغات بطور کلی از سخنرانی‌هایی که در حزب و در باشگاه‌های وابسته به حزب و حتی مدارس استفاده می‌شود یک وسیله دیگر هم عبارت است از نمایشات و واریته‌های مختلف و عنوان جشنها که حزب برای تبلیغات از آنها استفاده مؤثری می‌کند.

ولی در خارج از ایران ارگانهای حزب عبارت است از:

ک در بیروت - روزنامه آروک در حلب سوریه - روزنامه هوسابر در مصر - روزنامه هاراج در فرانسه - روزنامه هاپرنیک در بستون و روزنامه اسپارس در کالیفرنیا در آمریکای شمالی.

۱۳- شخصیت‌های برجسته که از داخل کشور با حزب مزبور روابطی دارند.

فقط نماینده کمیته مرکزی در مواقع لزوم با سازمان امنیت تهران تماس می‌گیرد اما امسال به طور استثنایی عضو کمیته جهانی نیز برای انعقاد تظاهرات پنجاهمین سال قتل عام ارامنه در ترکیه با سازمان تماس گرفته است.

۱۴- سازمان‌های جنبی حزب و مؤسسات و کلوب‌هایی که به حزب مزبور وابسته می‌باشد.

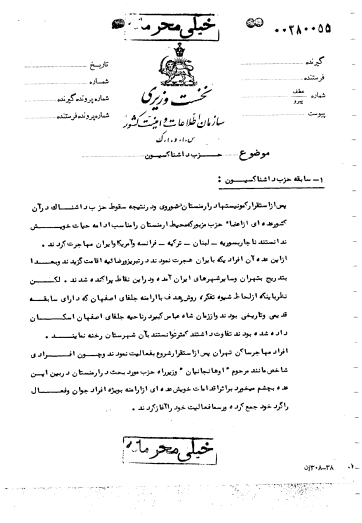
۱- باشگاه آارات ۲- باشگاه شاه عزیز ۳- کلوب کارون - انجمن‌های غیر رسمی ارامنه - ضمناً چون در کلیه انجمن‌های شورای خلیفه‌گری ارامنه اعضای حزب دانشناکسیون اکثریت دارند لذا کلیه مجامع ارامنه از طرف حزب اداره و کنترل می‌شود.

۱۵- اکثریت اعضای حزب از چه طبقه تشکیل می‌شود.

اعضای حزب از طبقه متوسط از لحاظ مالی تشکیل شده و اغلب آنها دارای شغل آزاد بوده و تعداد زیادی هم از معلمین و محصلین نیز عضو می‌باشند.

۱۶- محل اجتماعات و تشکیل جلسات اعضای حزب

محل اجتماع و تشکیل جلسات اعضای حزب در تهران اداره روزنامه آلیک واقع در خیابان نادری می‌باشد و در شهرستانها برای این منظور از مدارس ارامنه با منازل افراد استفاده می‌کنند.



بقیه اسناد مرتبط را می توانید در ستون اسناد ببینید.

وضع موجود حزب دانشناکسیون در داخل ایران:

الف - تشکیلات و تعداد تقریبی اعضا:

- (۱) کمیته مرکزی تهران که جمعاً دارای قریب/۱۵۰۰ نفر عضو رسمی می باشد.
- (۲) کمیته معمولی خوزستان که جمعاً در حدود/۱۰۰۰ نفر عضو رسمی دارد و مرکز آن آبادان است.
- (۳) کمیته فرعی آذربایجان که جمعاً در حدود ۵۰۰ نفر عضو رسمی داشته و مرکز آن تبریز می باشد.
- (۴) کمیته فرعی جلفای اصفهان و فریدن که مجموعاً قریب/۵۰۰ نفر عضو رسمی داشته و مرکز آن در جلفای اصفهان قرار دارد.
- (۵) چندین حوزه مختلف در شیراز - همدان - کرمانشاه و رشت نیز وجود دارد که مجموعاً در حدود /۵۰۰ نفر عضو رسمی دارند.
- (۶) ب - توضیح:
- (۷) از نظر روشن شدن مطلب اضافه می شود که در محل هائی که بیش از /۱۰۰۰ نفر عضو وجود دارد کادر رهبری را به نام کمیته مرکزی می خوانند و در مناطقی که بیش از ۵۰۰ نفر

حوزه های حزب دانشناکسیون که در داخل این کمیته های مرکزی - معمولی و فرعی فعالیت مینمایند هر یک متشکل از قریب / ۲۰ نفر عضو رسمی میباشند. این حوزه ها کادر رهبری نداشته و فقط رئیس حوزه دارند که از نزدیکترین کمیته حزب کسب دستور می نمایند. این کمیته ها جملگی مستقل بوده و مطابق نظامنامه حزبی رفتار مینمایند.

ج - محل این حزب در تهران خیابان نادری، بین چهارراه قوام السلطنه و چهار راه یوسف آباد کوچه جنب بیمارستان شوری محل روزنامه (آلیک) میباشد.

(روزنامه آلیک ارگان رسمی این حزب است)

گردانندگان حزب دانشناکسیون در ایران:

گردانندگان اصلی حزب دانشناکسیون که ضمناً اعضا کمیته مرکزی حزب موصوف نیز میباشند عبارتند از:

الف - هواپر ماهرخیان

ب - سواک ساگینیان

ج - قاجاد بوغوسیان

د- آراکل سرکیسیان

ه- هواکیم در بوغوسیان

و- امیل کارکازیان

ز- ساموئیل ساروخانیان

از این عده یاد شده ردیف (ج) که از روشنفکران قدیمی ارمنستان است مسئول حزب دانشناکسیون ایران می باشد. وی ضمن ریاست و رهبری حزب مزبور مدیر دبستان «هور» واقع در خیابان سعدی نیز می باشد و افراد حزب در هفته بتاب در محل روزنامه «آلیک» تجمع نموده و در مورد مسائل حزبی تبادل نظر مینمایند.

همچنین در حال حاضر باشگاه آارات در تهران نیز وسیله ای برای جلب جوانان و طبقه بندی و سنجش افکار آنان و بالاخره هدایت و دخول آنها بحزب مورد بحث می باشد. لکن اکثریت اعضاء حزب مزبور از شیوه رهبری و سرپرستی مسئولین حزب دانشناکسیون ناراضی بوده و در حال حاضر در میان ارامنه و خاصه در بین ارامنه عضو حزب هسته مخالفی علیه رهبران حزب مزبور تشکیل گردیده است. کما اینکه این عده اخیرا مخالفت خود را با این گروه طی اعلامیه ای که بزبان ارمنی تهیه شده و وسیله پست برای عده زیادی از ارامنه پایتخت فرستاده شده است ابراز داشته و ضمن این اعلامیه متذکر گردیده اند که سران فعلی حزب دانشناکسیون راهی را در پیش گرفته اند که منجر به متلاشی شدن حزب خواهد شد ولی ناشرین اعلامیه کوشش خواهند کرد که موجودیت حزب را حفظ نمایند.

همچنین در اعلامیه مورد بحث به سوء استفاده هائیکه وسیله مسئولین حزب نظیر: هواپرماروخیان - ساواک ساگینیان و انوشاوان گریگوریان در حزب مزبور صورت میگیرد اشاره نموده و خطاب به آنان اضافه شده است: «شما شب و روز در این هستید که با اظهارات پوچ خود ما را فریب داده و تضعیف نمائید و پیوسته سعی میکنید مردم را نسبت به وطن بدبین سازید، ما نمیتوانیم باین افکار ناروای شما تن در دهیم. ما بدینوسیله از کلیه رفقای فهمیده خود دعوت مینمائیم که گرد هم آمده برای تغییر اساسی وضع موجود حزب هم آهنگ گردیم.»

در پایان گزارش، نظریات جالبی توسط ساواک درباره حمایت از دانشناک ها مطرح می شود:

« وجود و نحوه فعالیت حزب دانشناکسیون ارامنه ایران از دو نظر قابل تعمق و بررسی است:

الف - با توجه به هسته اصلی اعتقاد ارامنه عضو حزب مزبور که بر اساس ایجاد ارمنستان آزاد متکی است. این افراد گرچه سالهاست مقیم ایران می باشند لکن در اعماق وجود خویش خود را ایرانی ندانسته و پیوستگی و علاقه آنان به این سرزمین ضعیف و ناپایدار می باشد. اینان وطن اصلی خود را در باطن ارمنستانی می دانند آزاد و رها شده از قیود کمونیزم. لذا از این نظر نظر نمی توان این قبیل افراد را به صورت اشخاصی ناسیونالیست و وطن پرست به حساب آورد.

ب - لکن با در نظر گرفتن جنبه ضد کمونیستی حزب دانشناکسیون و اینکه این اختلاف و ضدیت در افراد ارمنیان بنا به سابقه تاریخی آن به صورت عقده و تعصبی متجلی است.

چنانچه به وسائلی غیر محسوس موجبات تقویت ضمنی این حزب فراهم شود حزب مزبور به مثابه قطب مخالفی در برابر احتمالی کمونیزم در ایران در آمده و به موقع خود می تواند مثمر ثمرات نیکو و مفیدی گردد!»

همانطور که پیشتر اشاره شد، این اطلاعات مربوط اسنادی است که از ساواک درباره این حزب پیچیده به دست آمده است.

د: داشناکسیون؛ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

اطلاعات چندانی از وضعیت این حزب در آستانه انقلاب اسلامی در دست نیست. اما گزارش های پراکنده ای از فعالیت های این حزب در ایران به چشم می خورد. به طور مثال این حزب سالانه همایش هایی را برگزار می کند. آخرین آن به تاریخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۰ در ورزشگاه آزادی تهران برگزار شد و افراد ذی نفوذی از سفارت ارمنستان، کلیساها و شورای مرکزی حزب در آن شرکت کردند.



حزب داشناکسیون دارای لابی های موثر در اقصی نقاط دنیاست. فشار بر کنگره آمریکا جهت محکومیت قتل عام ارمنه، فشار بر دول اروپایی برای ایستادگی در مقابل ترکیه و آذربایجان، فشار بر دولت مرکزی برای جلوگیری از عادی سازی روابط با ترک ها و . . .

همچنین اخبار غیر رسمی که از سوی مخالفین این حزب بیان می شود، حاکیست این حزب در کنار گروهک آسالا (دارای ایدئولوژی مارکسیست-لنینیت) از مدتها قبل با گروهک تروریستی پ.ک.ک همکاری نزدیک داشته اند.

اما نکته ای که جالب تر می نماید مواضع داشناک ها در قبال رژیم صهیونیستی است. واهان هوانسیان؛ رئیس فراکسیون حزب داشناکسوتیون مجلس ملی ارمنستان در جریان یک مصاحبه با روزنامه «یرگیر» در پاسخ به این سوال که تا چه حد ارمنستان می تواند از تشدید درگیری میان ترکیه و اسرائیل سود ببرد، میگوید:

«نظر تئوری ما می توانیم انتظارات داشته باشیم اما از نظر عملی دو مورد می تواند به نفع ما باشد. مورد اول این است که اسرائیل قتل عام ارمنه را می شناسد و مورد دوم هم آن است که اسرائیل به دنیا و آذربایجان می گویند که ۲۷ درصد خاک خود را بدون بحث و دعوا به فلسطین داده است. البته فلسطینیها ناراضی هستند اما اسرائیل می تواند بگوید که خودمختاری نزدیک به استقلال را به آنها داده است زیرا فلسطینیها در همه سازمانهای بین المللی بعنوان کشور جدا حضور دارند و در ترکیب هیئتهای اسرائیلی نیستند. لذا آذربایجان هم نباید از ایجاد این امکان را برای ارمنه قره باغ منصرف شود. این قدم بسیار مشخص خواهد بود اما با توجه به اینکه انجام چنین کاری از سوی اسرائیلی را بعید می دانم، این تحلیلها در سطح تئوری باقی می ماند». او اضافه می کند که مسئولین سیاست خارجی کشورمان باید وضعیت را از نظر دریافت امتیازات برای ارمنستان تحلیل کنند. او بعید ندانست که لابیهای ارمنی و یهودی در آمریکا هم همکاری می کنند!



### پی نوشتها

---

- [i]- در تنظیم این جزوه از انتشارات مختلف حزب و به خصوص با جمع بندی دیدگاه ها و مواضع آن در هفته نامه "آزتاک" ارگان مرکزی حزب داشناکسوتیون، چاپ بیروت، انتشار می یافته ، استفاده شده است.
- [ii]- مانوکیان، آرپی. حزب داشناک و جریان نهضت مشروطه. صص ۹۰ تا ۹۵. تهران: دامرنگ، ۱۳۸۳
- [iii]- مانوکیان، آرپی. حزب داشناک و جریان نهضت مشروطه. صص ۹۵. تهران: دامرنگ، ۱۳۸۳
- [iv]- بر اساس کتاب حزب داشناک و جریان نهضت مشروطه. مانوکیان، آرپی. تهران: دامرنگ، ۱۳۸۳
- [v]- راین، اسماعیل. پیرم خان سردار. صص ۴۷۵، انتشارات موسسه تحقیق راین: ۱۳۵۰
- [vi]- "پیرم داویدیان" در سال ۱۸۶۸م. درگانتساگستی به دنیا آمد و پس از طی مراحل اولیه زندگی ، در جوانی به فعالیت های سیاسی روی آورد. او در فاصله سالهای ۱۲۶۶ تا ۱۲۶۸ (خورشیدی) عضو گروه فدائیان ارمنستان جوان بود. چون دولت روسیه قصد دستگیری مخالفان را داشت، پیرم با گروهی از ارامنه بر آن شد که به خاک عثمانی پناهنده شود اما به دست مرزداران روسیه گرفتار شد.
- پس از دو سال بلا تکلیفی در زندان تغلیس، دادگاه روسیه تزاری پیرم و یارانش را به ۲۴ سال زندان با اعمال شاقه محکوم کرد و همگی را به ساخالین در سیبری فرستاد.
- پیرم پس از سه سال که تبعید و زیر نظر بود به اتفاق سه نفر از تبعید شدگان از سیبری فرار کرد و از مرز روسیه به ترتیبات خاصی گذشت و خود را به ژاپن رساند. پس از اقامتی کوتاه در ژاپن به سوی ایران راه افتاد تا اهداف حزبی خود را پیگیری کند. او مدتی در شهر ارسباران و تبریز اقامت گزید و مشغول تبلیغ برای حزب 'داشناک' یا تندروان ارمنی بود.



پس از به توپ بسته شدن مجلس، اولین کانون های مخالفت در شهر رشت شکل گرفت. «پیرم» و «گری»، «مغزالسلطان» «میرزا کریم خان» و «عمید السلطان» با دستگیری هم والی رشت را سرنگون کردند و با یاری گروهی از قفقازیان و ارمنیان تندرو که به عنوان کارگر به رشت آمده و در آنجا مشغول به کار شدند. آن جا را در اختیار گرفتند. آزادی خواهان پس از فتح رشت، کشتگان خود را با احترام در شهر چرخاندند و به انتظار ورود سپهدار تنکابنی نشستند. آن ها یکی از دو گروهی بودند که از سمت قزوین و کرج برای فتح تهران روانه شدند و توانستند شاه را خلع کنند.

[vii]- دکتر داود هرمیداس باوند، مقاله ارمنستان در سرآغازین فاجعه قرن بیست، فصلنامه پیمان

[viii]- کتابچه رستاخیز خلق ارمنی؛ بمناسبت ششمین سالگرد استقرار حکومت شوروی در ارمنستان، تاریخ چاپ: نا معلوم، اصل کتاب در کتابخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی موجود است